

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشکده الهیات و خانواده

درس گفتار بایسته‌های اخلاقی تربیتی صداقت

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه استان اصفهان

۱۴۰۱ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست Contents

3	فهرست
10	بخش اول:
10	بایسته‌های اخلاقی تربیتی صداقت در میان همسران
11	درس اول
11	اهمیت و تعریف صداقت
11	اهمیت صداقت
11	تعریف صداقت
13	درس دوم
13	انجام تعهدات پیش از ازدواج
14	درس سوم
14	اصل رازداری
15	درس چهارم

15	مسئولیت پذیر بودن
16	درس پنجم
16	اصل اعتماد طرفینی
17	درس ششم
17	اهداف مشترك (توافق) داشتن در راستای زندگی خوب
18	درس هفتم
18	صداقت در دروغ‌های مصلحتی منجر به ترمیم رابطه
19	درس هشتم
19	صداقت در گفتگوهای منجر به تخریب رابطه
20	درس نهم
20	نشانه‌های صداقت خود
21	درس دهم
21	دروغ‌های مجاز به همسر
22	درس یازدهم
22	اندازه صداقت با دیگران
23	درس دوازدهم
23	توجه به مراتب صداقت

24	درس سیزدهم.....
24	صداقت در احساسات.....
25	درس چهاردهم.....
25	موارد لزوم صداقت.....
26	درس پانزدهم.....
26	موارد عدم لزوم صداقت.....
27	درس شانزدهم.....
27	تفاوت صداقت میان زوجین با دیگر افراد.....
28	درس هفدهم.....
28	شناسایی علل و عوامل خانوادگی ایجاد صداقت.....
29	درس هجدهم.....
29	شناسایی عوامل خانوادگی بی صداقتی.....
30	درس نوزدهم.....
30	ایجاد انگیزه برای صداقت‌ورزی با توجه به پیامدهای صداقت.....
31	درس بیستم.....
31	شناخت صداقت و بی صداقتی همسر پیش از ازدواج.....
32	درس بیست و یکم.....

32	چگونگی برخورد با بی صداقتی همسر.....
33	درس بیست و دوم.....
33	راهکارهای ایجاد و تداوم صداقت با همسر.....
34	درس بیست و سوم.....
34	راهکارهای درمان بی صداقتی خود در ارتباط با همسر.....
35	بخش دوم.....
35	بایسته های صداقت در روابط والدین و فرزندان.....
36	درس اول.....
36	آگاهی والدین در صداقت ورزی فرزندان.....
37	درس دوم.....
37	هماهنگی والدین در تربیت فرزندان در ارتباط با صداقت ورزی آنان.....
38	درس سوم.....
38	تربیت مادران و صداقت فرزندان.....
39	درس چهارم.....
39	نشانه های کودکان دروغگو.....
40	درس پنجم.....
40	تنوع و گستردگی در صداقت.....

41	درس ششم.....
41	زمینه سازی صداقت در فرزندان.....
42	درس هفتم.....
42	پیشگیری از دروغ‌گویی فرزند.....
43	درس هشتم.....
43	آموزش آثار صداقت به فرزندان.....
44	درس نهم.....
44	اصل ارائه الگوهای شایسته.....
45	درس دهم.....
45	تکریم و دوری از تحقیر.....
46	درس یازدهم.....
46	کشف علل خانوادگی دروغ‌گویی فرزندان.....
48	درس دوازدهم.....
48	زمینه‌سازی الگوهای ضدارزشی رسانه‌ها.....
49	درس سیزدهم.....
49	تشویق بر صداقت فرزندان.....
50	درس چهاردهم.....

50	 برخورد با اولین دروغ یا گاهگاه دروغ گفتن کودکان
51	 درس پانزدهم
51	 جلب اعتماد فرزند به والدین
52	 درس شانزدهم
52	 تغییر نگرش به جای تغییر رفتار
53	 درس هفدهم
53	 محبت و نقش آن در صداقت ورزی فرزندان
54	 درس هیجدهم
54	 ایجاد خودباوری مثبت در فرزند
55	 درس نوزدهم
55	 عدم مقایسه فرزندان
56	 درس بیستم
56	 اجازه دادن برای ابراز احساسات فرزندان
57	 درس بیست و یکم
57	 حفظ حریم خصوصی فرزندان
58	 درس و بیست و دوم
58	 تنبیه صحیح پس از افشای عدم صداقت فرزند

59	درس بیست و سوم.....
59	واکنش مناسب والدین نسبت به دروغ گویی فرزندان.....
61	کتابنامه.....

بخش اول:

بایسته‌های اخلاقی تربیتی صداقت در میان همسران

درس اول

اهمیت و تعریف صداقت

اهمیت صداقت

بسیاری از مردم فکر می‌کنند انسان‌های صادقی هستند و حال آن که چنین نیست، دروغ مصلحت‌آمیز و به نفع خود دروغ می‌گویند و خیال می‌کنند انسان صادقی هستند. خیلی از مردم چون نمی‌دانند صداقت چیست و چه تفاوتی با صدق دارد و درک درستی از صداقت واقعی ندارند، خود را واقعاً اهل صداقت می‌دانند و حال آن که چنین نیست. از این‌رو، لازم است با اصل دانستن صداقت آشنا شویم تا به درستی درک کنیم صادق بلکه و بالاتر از آن، اهل صداقت هستیم یا نه؟

صداقت در صورتی به واقعیت می‌پیوندد که تزویر، ریا، فریب، نفاق، بی‌وفایی و خیانت، در کار نباشد.

یادآوری می‌شود صداقت با صدق متفاوت است؛ هر صداقتی صدق است ولی هر صدقی صداقت نیست؛ گاهی سؤال از شما می‌شود شما سکوت می‌کنید و یا موضوع سخن را تغییر می‌دهید؛ در این جا شما دروغ نگفته‌اید ولی صداقت نیست؛ صداقت همان صدق است همراه با روراستی و بدون پنهان‌کاری. صداقت دوستانه است و قویتر از صدق است.^۱

اگر زوجین اهمیت صداقت را بدانند، اهتمام بیشتری برای اجرای صداقت در روابط خود با یک دیگر خواهند داشت. صداقت از نگاه قرآن و روایات و عقل و عقلاء و از نگاه فقهی و روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، دارای شأن بزرگی است و مایه سعادت و به‌روزی و نیک بختی فرد و جامعه و صلاح هر چیزی است. همچنین صداقت سبب هدایت و نجات و مورد پرسش در قیامت است و به طور کلی صداقت پایه رابطه پایدار و لذت بخش است. برخی دروغ را گزینش می‌کنند تا به راحتی بیشتری برسند، حال آن که آزار صداقت داشتن کمتر از دروغ است. گفته برخی از کارشناسان مبنی بر این که صداقت نداشتن اولین مسئله اختلافات زناشویی است، اهمیت موضوع را بیشتر آشکار می‌سازد.^۲ برای این که با اهمیت صداقت آشنا شوید و به صورت کاربردی، اطلاعات خود را در این باره کامل کنید، مهارت‌آموزی این اصل را که پیش از این ذکر شد دنبال کنید.

تعریف صداقت

۱. مطابقت با درون خود

به این معناست که آن چه هستیم با آن چه از خود نشان می‌دهیم، یکسان باشد و خود را بر خلاف ذهن و فکر و نیت خود نشان ندهیم؛ و نیز تناسب بین نگرش و رفتار ما وجود داشته باشد؛ و در نهایت یکی بودن عمل و گفتار مطابقت با درون خود است.^۳

۲. در صداقت مطابقت گفتار با وضع الهی معتبر

۱. اصغر هادی؛ طرح پژوهشی با عنوان «تدوین بسته آموزشی صداقت و اثربخشی آن بر کارآمدی خانواده»؛ ص ۶۶

۲. همان.

۳. همان، ص ۶۴

در صداقت مطابقت گفتار با وضع الهی معتبر است؛ یعنی گفتار و ابرازهای شما با وضعی که خداوند در این خلقت و در وجود انسان و در روابط انسان ها قرار داده و با سنت‌های الهی هماهنگ باشد؛ و در بیان دیگر تطابق گفتار و رفتار با واقعیت است.^۱

۳. شفاقیت و عدم‌پنهان کاری

در صداقت شفافیت است و پنهان کاری نیست؛ و در فضای امن اطلاعات و ارزش‌ها و افکار خود را به همسرمان ارائه می‌کنیم؛ و گفتگوی راحت با همسر در تمام مسائل در فضای امن شکل می‌گیرد؛ و در یک کلام در ابعاد هیجانی و شناختی، ادراکات و احساسات و نیت‌ها و مقاصد فرد ابراز می‌شود.^۲

^۱. همان، ص ۶۴ و ۶۵

^۲. همان، ص ۶۴

درس دوم

انجام تعهدات پیش از ازدواج

- در صداقت میان زوجین لازم است تعهدات و قراردادهای که زوجین پیش از ازدواج با یک دیگر تعهد کرده‌اند، عملی گردد.^۱ این تعهدات گاه در قباله ازدواج مضبوط است و گاه در گفتگوهای ازدواج بیان می‌شود و گاه نیز فضای حاکم بر فرهنگ جامعه زوجین گویای آن است؛ اگر چه نوشته نشده باشد و یا در باره آن گفتگو نشده باشد.
- به موارد زیر که از طرف مراجعان مختلف مطرح شده است، توجه کنید:
- 1- اگر در ضمن عقد یا گفتگوهای اولیه به همسران قول داده‌اید که در فلان شهر زندگی می‌کنید، بدون مشورت با او تخلف نکنید.
 - 2- اگر به همسران (زن خود) قول داده‌اید که با کار کردن او خارج از منزل و با ویژگی‌های شغلی او مخالفت ندارید، تا آخر سرحرف بایستید.
 - 3- در مورد ادامه تحصیل همسران یا عدم ادامه تحصیل او هر طوری که با یک دیگر به توافق رسیده‌اید، ادامه دهید.
 - 4- اگر شرایط اقتضا کرد قرار قبلی کنار گذاشته شود؛ با یادآوری قرار قبلی و توضیح شرایط جدید، تغییر قرار قبلی را از همسر خود درخواست کنید و اگر مخالفت کرد قرار قبلی را زیر پا نگذارید.
 - 5- قرارهای عاشقانه اول زندگی خود را زیر پا مگذارید و آن را با ورود فرزندان به زندگی کنار نگذارید.

^۱. همان؛ ص ۶۵

درس سوم

اصل رازداری

آنچه بین همسران وجود دارد فقط بین همان دو نفر خواهد ماند و لزومی ندارد دیگران از رازهای بین آن دو آگاهی یابند. رازداری برای حفظ و تداوم زندگی زناشویی اصلی لازم است.

همسری که صادق است رازهای میان خود و همسرش در اختیار دیگران نمی گذارد.

خانواده مکانی برای ارتباط مناسب اعضاء حفظ حرمت و شئون یکدیگر است. این حریم خانوادگی ابتدا از سوی خود اعضای خانواده باید حفظ شود و سپس از ناحیه ی دیگران نیز. تنها در این صورت است که امنیت زندگی زناشویی تأمین می گردد.

یکی از مهم ترین عواملی که این حریم را تهدید می کند بیان اسرار و رازهای درون خانواده نزد دیگران است.^۱

صداقت می طلبد که مهارت‌های مذکور در این اصل در ارتباط با راز داری بیاموزیم و آنها را رعایت کنیم.

^۱ برگرفته از: فاطمه سادات رادفر؛ «رازداری بین همسران»؛ درگاه تبیان؛ <https://article.tebyan.net/۲۲۰۰۷۹>.

درس چهارم

مسئولیت پذیر بودن

اگر شما یا همسر خویش دچار بی‌صدافتی هستید؛ ریشه این مشکل به بی‌مسئولیتی باز می‌گردد. افراد مسئول وظیفه شناسند و کارها را درست انجام می‌دهند و از این رو کمتر دچار بی‌صدافتی می‌شوند؛ چون چیزی برای مخفی کردن ندارند. ولی آدم‌هایی که بی‌مسئولیت هستند کارهای خود را درست انجام نمی‌دهند و از این رو مجبور هستند مخفی‌کاری داشته باشند و دچار بی‌صدافتی می‌شوند.

1. اگر همسر شما به مسئولیت خود عمل کرد ولی موفق نبود، او را سرزنش نکنید که این خود سبب بی‌صدافتی می‌گردد.

2. مشکل عدم موفقیت در انجام مسئولیت‌های هر یک را با همدیگر بررسی کنید و از افراد موفق مشاوره بگیرید.

درس پنجم

اصل اعتماد طرفینی

اعتماد کردن و اعتماد داشتن در رابطه میان زن و شوهر از ضروریات است. همسران باید به شما وفادار باشد، پای بند قول و قرارهایش باشد و به اندازه تمکن مالی شما هزینه کند. اگر نتوانید به همسران اعتماد کنید هرگز به خوشبختی نمی‌رسید.^۱

بدون اعتماد به همسر صداقت شکل نمی‌گیرد. و نیز تا همسر شما به شما اعتماد نداشته باشد انتظار صداقت از او نمی‌توان داشت. از این رو، اعتماد طرفینی شرط ایجاد صداقت میان زوجین است. مخفی‌کاری همسر از این جا شروع می‌شود که چون به همسر خود اعتماد ندارد، اموال خود را مخفی می‌کند و در بیان آن صداقت به خرج نمی‌دهد. ایده‌ها و دیدگاه‌های خود را مخفی می‌کند؛ چون به همسرش اعتماد ندارد. برخی از اسرار زندگی را که باید به همسرش بگوید نمی‌گویند؛ چون به او اعتماد ندارد. صداقت و اعتماد روی دو طرف یک سکه هستند. اعتماد همسر به شما صداقت او را به دنبال دارد و صداقت شما اعتماد او را سبب می‌شود. و نیز اعتماد به همسران صداقت شما را با او به دنبال دارد و صداقت او اعتماد شما را سبب می‌شود.

^۱. تمپلار ریچارد؛ قوانین عشق؛ ص ۴۲.

درس ششم

اهداف مشترک (توافق) داشتن در راستای زندگی خوب

اگر زوجین اهداف مشترکی در زندگی سعادت مندانه خود نداشته باشند مثلاً یکی به طور خودخواهانه طالب فرزند باشد و دیگری طالب فرزند نباشد همین امر سبب می شود به رفتارهای غیر صادقانه روی آورند مثلاً شروع به غدر تراشی ها و بهانه جویی هایی بکنند تا طرف مقابل را اقناع کند و تسلیم کند

از اهداف مشترک زوجین در زندگی زناشویی آن است که بیشتر اوقات فراغت خود را با هم بگذارند. اگر یکی از زوجین با این هدف همراه نباشد و طرف دیگر هم معترض باشد نتیجه آن بهانه سازی و شروع به انجام رفتارهای غیر صادقانه و مخفی کاری برای گذراندن اوقات خود با دوستان نه با همسر خود است.

۱. پیش از تصمیم گیری، مسائل مرتبط به موضوع مورد بحث گفتگو را با یکدیگر در میان بگذارید.

۲. توافقی خوب است که منافع هر دو طرف را تأمین کند.^۱

^۱. تمپلار ریچارد؛ قوانین عشق؛ ص ۵۰.

درس هفتم

صداقت در دروغ‌های مصلحتی منجر به ترمیم رابطه

گاهی یکی از زوجین به دیگری دروغ می‌گوید تا رابطه خود را با همسرش ترمیم کند و اگر کدورتی ایجاد شده برطرف شود و هدف از دروغ‌گویی نیز همین بوده است. این کار هر چند از سر مصلحت اندیشی و برای ایجاد رابطه با همسر باشد ولی با صداقت با همسر سازگاری ندارد از این رو باید از این نوع دروغ‌های مصلحتی پرهیز کرد تا صداقت در خانواده شکل گیرد و ایجاد شود. بنابراین یکی از اصولی که در ایجاد صداقت میان همسران نقش دارد اصل صداقت در دروغ‌های مصلحتی منجر به ترمیم رابطه است.^۱

1. گاهی چنین فکر می‌کنید که اگر این دروغ خاص را بگویید طرف مقابل برای ایجاد رابطه اقدام خواهد کرد.
2. گاه دروغ‌گویی زوجین از روی علاقه به همسرش است و به همسرش دروغ‌گوید تا از این رهگذر رابطه او با همسرش بهتر (ترمیم) شود.

^۱ برگرفته از: اصغر هادی؛ راهکارهای رهایی از دروغ‌گویی، دورویی و پیمان شکنی در خانواده؛ ص ۱۳۴ تا ۱۳۷.

درس هشتم

صداقت در گفتگوهای منجر به تخریب رابطه

گاهی یکی از زوجین به دیگری دروغ می‌گوید تا از پیامد بدی پرهیز کند مثلاً بگومگو پایان یابد؛ ولی قصد آن این است که رابطه او با همسرش بهتر شود. اگر این دروغ را نگوید ممکن است بگومگوها ادامه داشته باشد. از این رو برای جلوگیری از پیامد بد احتمالی یا حتمی، دروغ می‌گوید. حال آن که این گونه دروغ‌ها هر چند مصلحت‌اندیشانه است باز با صداقت زوجین ناسازگاری دارد و برای ایجاد صداقت لازم است. از این گونه دروغ‌ها هم دوری جویند. در این موارد برای دوری از تنش‌های احتمالی لازم است صداقت را به نوعی عملی کند که از تنش هم جلوگیری شود؛ مانند این که در زمان مناسبی سخن خود را بگوید و عاطفه را ضمیمه کلام خود کند و از ترفندهای دیگری برای ادامه رابطه و استحکام آن استفاده کند.^۱

^۱ برگرفته از: همان؛ ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

درس نهم

نشانه‌های صداقت خود

از کجا بفهمیم خود دارای صداقت هستیم؟ نشانه‌های زیر به ما کمک می‌کند تا به صداقت خود و واقعی بودن آن پی ببریم:

- همخوانی کلامی با زبان بدن
- همخوانی گفته با عمل
- وفای به عهد
- موفقیت در امتحان الهی
- عمل به وظیفه
- جهاد و فداکاری
- پنهان نکردن هیچ بخشی از شخصیت خود
- امانت دار بودن.^۱

^۱. اصغر هادی؛ طرح پژوهشی با عنوان «تدوین بسته آموزشی صداقت و اثربخشی آن بر کارآمدی خانواده»؛ ص ۶۶ و ۶۷.

درس دهم

دروغ های مجاز به همسر

در بحث دروغ به طور عام، فقهاء و دانشمندان اخلاق، دروغ را روا نمی دارند؛ با این وصف مواردی را ذکر می کنند که دروغ رواست و آن در جایی است که ضرورتی برای دروغ گفتن وجود دارد.

در روابط زوجین نیز همین قاعده حاکم است و موارد مجازی وجود دارد که باید زوجین بدانند تا همسر خود را متهم به عدم صداقت نکنند. موارد مجاز دروغ به همسر که از سوی فقها و دانشمندان اخلاق بیان شده است، عبارت است از:

- وجود اصل راجح اخلاقی دیگر مانند فرار از قتل و ضرر جانی و یا آبرویی یا حرجی

اگر صداقت به خرج دادن با همسر به قتل یکی از دو و یا دیگران منجر شود؛ در این موارد، عدم صداقت و دروغ مجاز است. برخی از محققان با نگاه فقهی نیز افزوده اند: در صورتی که یکی از زوجین به واسطه عدم کتمان و صداقت، مستلزم ضرر جانی، مالی و آبرویی گردد که به تحکیم خانواده و روابط زوجین ضربه اساسی وارد کند و یا احتمال ضرر و یا حرج و مشقتی جبران ناپذیر، وجود داشته باشد، از باب قاعده «لا ضرر» و «نفی حرج» و «وجوب دفع ضرر محتمل» حکم وجوب صداقت برداشته شده و بی صداقتی در این موارد، حرام نبوده و واجب می گردد.

- وعده غیر جدی دادن

برخی وعده های غیر جدی و به تعبیر عامیانه الکی را به همسر روا می دارند تا از کدورت ها کاسته شود، مانند این که بگویند ان شاء الله سال آینده خانه می خریم و حال آن که می داند چنین چیزی ممکن نیست یا بسیار بعید است.

- اظهار دوستی مبالغه آمیز

اظهار دوستی مبالغه آمیز دروغ نیست مانند آن که به همسرش بگوید من تو را به اندازه همه دنیا دوست دارم و حال آن که خود می داند، چنین نیست؛ به این دلیل که دو طرف می دانند که بنا بر مبالغه گوئی است و این گونه اظهارات واقعیت ندارد.

بیان این نکته ضروری است که دروغ مصلحتی مجوز دروغ نیست. دروغ مصلحتی در هیچ جا مجوز دروغ نیست، نه با همسر و نه با دیگران. اگر مصلحت فرد گوینده ملاک جواز دروغ گوئی باشد، دیگر دروغ حرامی یافت نخواهد شد؛ زیرا، در غالب موارد، مصلحت شخص برای گفتن دروغ، متصور است.^۱

^۱. برگرفته از: همان؛ ۶۷ و ۶۸

درس یازدهم

اندازه صداقت با دیگران

در روابط با دیگران افراد در میزان صداقتی که به خرج می‌دهند، متفاوت هستند. ما تا چه اندازه انتظار هست که با دیگران صداقت داشته باشیم و دیگران تا چه اندازه انتظار صداقت را باید از ما داشته باشند.

در جواب می‌توان گفت که صداقت ما در برابر دیگران به اندازه‌ای باید باشد که دیگران صداقت از خود به خرج می‌دهند؛ و ما به اندازه‌ای از دیگران انتظار صداقت باید داشته باشیم که ما صداقت به خرج می‌دهیم.

در باره زوجین در ابتدای آشنایی و خواستگاری، انتظار صداقت به اندازه صداقت طرف دیگر است؛ هر چه گفتگوها به هم نزدیک می‌شود و اعتماد بالاتر می‌رود، انتظار صداقت بیشتر خواهد بود. این حالت پس از ازدواج و تشکیل خانواده هم به همین مکانیسم عمل می‌کند.^۱ البته نسبت به همسرمان اگر ما صداقت داشته باشیم و او صداقت نداشته باشد؛ نباید او از ما انتظار صداقت داشته باشد و زبان به گله بگشاید؛ اگر چه وظیفه اخلاقی ما این است بزرگواری کنیم و همیشه با او صادق باشیم.

^۱. همان؛ ص ۶۸

درس دوازدهم

توجه به مراتب صداقت

مراتب صداقت عبارت است از:

- صداقت در گفتار

- صداقت در عمل

یکی دیگر از مراتب صدق، صدق در کردار و عمل است. صدق در عمل مطابقت باطن و ظاهر و یکسانی نهان و آشکار است به این معنی که اعمال ظاهری فرد بر چیزی دلالت کند که در باطن به آن متصف باشد. البته این به آن معنا نیست که یک فرد برای دور بودن از ریا و صادق بودن در کردار، انجام اعمال ظاهری را ترک کند بلکه باید باطن را به سمت تصدیق ظاهر سوق دهد.

- صداقت در تصمیم و اراده

نفس آدمی گاهی در آغاز اراده و تصمیمی دارد چون وقت عمل رسید تمایلات و خواسته‌های نفسانی مانع از انجام آن تصمیمات می‌گردند، چون برای نفس وعده دادن به آینده مشقتی ندارد و زحمت آن کم و ناچیز است، ولی هنگامی که زمان ایفای وعده فرامی‌رسد، خواسته‌های نفسانی بر انسان غالب گشته و مانع از انجام تصمیم می‌گردد، در نتیجه وفای به عهد صورت نمی‌گیرد.

- صداقت در عهد و پیمان با خدای بزرگ.

به طور مثال پیش خود می‌گویید اگر خداوند مالی روزیم نماید همه یا نیمی از آن را صدقه خواهم داد؛^۱ و چون چنین شد به عهد و عزم خود وفا نمی‌کنید.^۲

^۱. همان؛ ص ۶۹

^۲. اصغر هادی؛ طرح پژوهشی با عنوان «تدوین بسته آموزشی صداقت و اثربخشی آن بر کارآمدی خانواده»؛ ص ۶۸ و ۶۹

درس سیزدهم

صداقت در احساسات

صداقت در احساسات در صداقت کامل خود را نشان می‌دهد؛ گاهی شما با همسر خود در گفتار صداقت دارید ولی احساس شما بر همسرتان در موضوع پیش آمده، پوشیده است یا احساس شما چیزی را حکایت می‌کند که با گفتار شما مخالف است؛ در این جا لازم است احساس مطابق با گفتار شده و بیان شود تا صداقت کامل گردد.^۱

1. در کنار گفتار و افعال، احساسات ما از وسایل ارتباطی با دیگران از جمله همسرمان می باشد.

2. در زمان گفتگو با همسر نباید احساس ما در موضوع گفت‌وگو بر همسرمان پوشیده باشد.

^۱. همان؛ ص ۷۰.

درس چهاردهم

موارد لزوم صداقت

برای آن که حدود و خط قرمز صداقت شناخته شود، دانستن موارد لزوم صداقت لازم است. راست گفتن واجب نیست، بله، دروغ گفتن جایز نیست، انسان در مواردی می‌تواند راستش را نگوید و سکوت کند یا موضوع را عوض کند یا کلی صحبت کند و جزئیات را بیان نکند بدون آن که دروغ گفته باشد؛ با این وصف، گاه لازم است در برخی از موارد صداقت کامل به خرج دهد و تمام واقعیت را با جزئیاتش برای همسرش بیان کند تا زندگی صادقانه شکل گیرد و از پیامدهای منفی جلوگیری شود.

۱. دانستن حق همسر است؛ آنچه را که باید بداند، باید به او گفت.

۲. صداقت در مسائل مؤثر در روابط زوجین، لازم است.

۳. در اطلاع‌رسانی بر اساس صداقت در زندگی زناشویی؛ تنها به امور مربوط به زندگی زناشویی بسنده می‌شود.

۴. در باره امور مخفی که مخرب رابطه ما با همسرمان در آینده است، باید صداقت داشت (گفتن آن چه که مخفی بودنش رابطه میان زوجین را خراب می‌کند، لازم است و باید صداقت داشت و آن را آشکار کرد).

درس پانزدهم

موارد عدم لزوم صداقت

برای آن که حدود و خط قرمز صداقت شناخته شود، دانستن موارد عدم لزوم صداقت، نیز لازم است.

صداقت نداشتن به معنای دروغ گفتن نیست؛ بلکه به معنای سکوت است یا این که به همسرش بگوید لزومی ندارد در این باره صحبت شود یا بگوید این امر شخصی است یا در آینده اگر لازم شد در این باره گفت‌وگو خواهیم کرد.

جامعه مکانیسمی دارد برای تعیین اندازه صداقت که اگر بیشتر از آن شد، صداقت بیشتر را روا نمی‌دارد؛ مثلاً در گفت‌وگو در هنگام خواستگاری، جامعه اندازه‌ای را برای صداقت در نظر می‌گیرد و بیش از آن را روا نمی‌داند و طرف مقابل هم بیشتر از آن را انتظار ندارد و اگر طرف مقابل بیشتر از آن را انتظار داشت، در پاسخ به او گفته می‌شود بیش از اندازه مورد انتظار است.

۱. عدم لزوم صداقت در توصیف چهره طرف مقابل: اگر همسر از شما خواست چهره او را توصیف کنید، زیبایی‌های آن را بیان کنید و لازم نیست صداقت به خرج دهید و به زشتی‌های صورت او اشاره کنید.

۲. عدم لزوم صداقت در بیان همه ضعف‌های همسر: اگر لازم شد به ضعف همسر خود اشاره کنید یا او خواست ضعف‌های او را بیان کنید، لازم نیست صداقت به خرج دهید و همه ضعف‌های او را بیان کنید.

۳. عدم افراط در صداقت و ساده لوح بودن

۴. عدم لزوم صداقت در رازها: کشف کردن رازها خط قرمز صداقت است (مانند آن که انسان گناهان خود را برای همسرش کشف کند).

درس شانزدهم

تفاوت صداقت میان زوجین با دیگر افراد

صداقت میان زوجین با صداقت با دیگران تفاوت دارد؛ مثلاً در صداقت با دیگران لازم نیست انسان میزان درآمدش را فاش کند؛ اما در ارتباط با همسر چنین چیزی، عدم صداقت است؛ مگر آن که با هم قرار گذاشته باشند که زوجین از درآمد یک دیگر اطلاعی نداشته باشند. همچنین در صداقت با همسر لازم است برنامه خود را به همسر بگوید و ارتباطات خود با دیگران به ویژه با جنس مخالف را آشکارا در اختیار همسر گذارد و نوع ارتباط را بیان کند؛ اگر همسر استاد دانشگاه است و با جنس مخالف به عنوان دانشجوی خود با او ارتباط دارد؛ لازم است به اطلاع همسر برساند و نوع ارتباط که استاد و شاگردی است بیان کند.

نیز در ارتباط با دیگران، انسان لازم نیست رازهای زندگی خود را بر ملا کند؛ اما در ارتباط با همسر چنین نیست و رازها و اموری که به زندگی زناشویی مرتبط است، باید به همسر بگوید مانند آن که زن به همسر خود می‌گوید من امروز آرامش ندارم و بهم ریخته‌ام یا در برخورد با فلان موضوع بهم میریزم و کنترل خود را از دست می‌دهم یا از فلان موضوع نگرانم، در صورتی که لازم نیست همه این موارد را در اختیار دیگران گذارد. در روابط زوجین صداقت فقط راستگویی زبانی نیست، بلکه افکار صادقانه و نگاه‌های پاک از رفتارهای ضروری روابط زناشویی به حساب می‌آید.^۱

^۱ برگرفته از: همان، ص ۷۳ و ۷۴.

درس هفدهم

شناسایی علل و عوامل خانوادگی ایجاد صداقت

از عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد صداقت، عوامل خانوادگی است که شناسایی آنها برای ایجاد صداقت میان زوجین مؤثر است. اگر پدر و مادر زوجین صداقت داشته باشند، سبب الگوبرداری زوجها می‌شود و نیز تربیت صحیح خانواده در صداقت زوجین اثر دارد و در این میان نقش مادر بیشتر است. از هم مهم‌تر در صداقت زوجین سلامتی سیستم و مدل خانواده آنهاست.^۱

^۱. برگرفته از: همان؛ ص ۷۵.

درس هجدهم

شناسایی عوامل خانوادگی بی صداقتی

یکی از عوامل بی صداقتی در ارتباط با خانواده است، یعنی زوجین از خانواده خود بی صداقتی را فرا گرفته‌اند. الگوهای غلط خانواده و مشکلات عاطفی و تربیت ناصحیح خانواده و عدم حفظ حریم‌ها و دیگر موارد در خانواده‌ها، از عوامل بی صداقتی خانواده‌هاست.^۱

- نداشتن درک و فهم صحیح زوجین از هم دیگر زمینه بی صداقتی آنان است.
- اگر والدین حریم‌ها را رعایت نکنند و هر حرف و کاری را از خود نشان دهند، فرزندان آنان در ازدواج و زندگی زناشویی خود به بی صداقتی دچار می‌شوند.
- الگوهای غلط خانواده باعث تربیت ناصحیح ما شده است و ما را به بی صداقتی دچار کرده است. ما نباید این شیوه را در باره فرزندانمان تکرار کنیم.
- یکی از اشتباه‌ها در گفتگوهای ازدواج این است که ما سعی می‌کنیم خود یا فرزندانمان را چند درجه بالاتر از آنچه هستیم نشان می‌دهیم؛ و معنای این کار آموزش بی صداقتی به فرزندانمان است.

^۱. برگرفته از: همان؛ ص ۷۸.

درس نوزدهم

ایجاد انگیزه برای صداقت‌ورزی با توجه به پیامدهای صداقت

برای این که همسران برای صداقت‌ورزی انگیزه پیدا کنند و آن را در زندگی خود نهادینه کنند؛ لازم است پیامدهای صداقت را بدانند تا با آشنایی با پیامدهای مثبت صداقت‌ورزی، عزم‌شان برای اعمال صداقت بیشتر شود. به عبارت بهتر، اگر همسران دچار بی‌صداقتی هستند، توجه به پیامدهای صداقت در خانواده به آنان انگیزه صداقت می‌دهد. می‌توان از طریق آموزش و مطالعه و تفکر به پیامدهای مثبت صداقت داشتن پی برد. همچنین برای آن که دچار بی‌صداقتی نشویم و داشته‌های خود را از دست ندهیم، لازم است پیوسته آثار مثبت صداقت را در نظر داشته باشیم.

پیامدها مانند:

جلب اعتماد و مهر و محبت و مهابت و عظمت

حسن معاشرت و روابط بهتر زوجین

احساس امنیت و خوشبختی

احساس مثبت به زندگی

قدرت و استحکام خانواده و ...

درس بیستم

شناخت صداقت و بی صداقتی همسر پیش از ازدواج

در دوران خواستگاری و انتخاب همسر لازم است صداقت و بی صداقتی همسر آینده برای ما مشخص شود. اگر از ابتدای گفتگوها با همسر پیشنهادی به این نکته پی بردیم که او در پاسخ های خود صداقت به خرج نمی دهد، کاشف از این خواهد بود که همسر ما صداقت در آینده و در زندگی خانوادگی نخواهد داشت. مثلاً اگر فهمیدیم که همسرمان در باره مدرک خود دروغ گفته است چگونه می توان به او برای آینده اطمینان کرد. برای کشف صداقت و بی صداقتی همسر مهارت های زیر کار ساز خواهد بود؛ (اما اگر پس از ازدواج پی به بی صداقتی همسر بردیم روش برخورد با او متفاوت است که در اصول دیگر بیان می شود).

۱. در دوران آشنایی، بررسی دقیقی از گفتار و رفتار او داشته باشیم. (آیا گفتار و رفتار او متناسب است؟)

۲. از طریق سؤالات هوشمندانه می توان پاسخ های او را ارزیابی کرد و میزان صداقت او را محک زد.

۳. تکرار سؤال در هنگام گفتگو و شنیدن جواب های متفاوت نشانه عدم صداقت است.

۴. تناقض در گفتگوها نشانه عدم صداقت است.

۵. از طریق تست های روان شناختی و مشاوره می توان به عدم صداقت خواستگار و همسر پیشنهادی پی برد.

۶. با تحقیق از دوستان و همکاران طرف مقابل می توان به عدم صداقت او پی برد.^۱

^۱. برگرفته از: همان؛ ص ۸۶ و ۸۷.

درس بیست و یکم

چگونگی برخورد با بی صداقتی همسر

اگر در زندگی زناشویی خود با بی صداقتی همسر برخورد کردیم، مسئله حساس‌تر از دیگران است؛ و باید با دقت مهارت‌های زیر را عملیاتی کرد: این مهارت‌ها در برخورد اولیه است و بعد باید به ریشه‌ها پرداخت و برای درمان ریشه‌ای آن اقدام کرد؛ گاه این ریشه‌ها به ما باز می‌گردد و رفتار ما سبب بی صداقتی او شده است.

1. چشم پوشی از دروغ همسر. چنانچه شاهد دروغ همسر بودیم، جایز به برملا کردن آن و متهم کردن فرد به دروغ‌گویی نیستیم. باید مراقب باشیم که تصریح بر دروغ‌گویی همسر نداشته باشیم؛ تا با این عمل، او را در چاه دروغ حبس نکنیم. بلکه به عکس باید خطای او را بیوشانیم و پیوسته وانمود کنیم که دروغی گفته نشده است.

2. فرصت دوباره به همسر داده تا خویش را اصلاح کند. گاهی اوقات فرصت‌دادن کار ساز بوده و با این فرصت دادن نوعی خود سازی را به او هدیه کرده است. البته اتفاق افتاده که با فرصت دادن، دروغ‌های فرد بیشتر از حد مجاز شده است.

3. پرهیز از تجسس در امور همسر تا شکاف‌ها عمیق‌تر نشود.

4. صبوری و بردباری در برابر مشکلات خانواده از جمله عدم صداقت، لازمه رویارویی مناسب و حل مشکل است.^۱

^۱. برگرفته همراه با اضافاتی از: همان؛ ص ۸۶.

درس بیست و دوم

راهکارهای ایجاد و تداوم صداقت با همسر

برای این که در زندگی زناشویی خود با همسرمان ایجاد صداقت کنیم و یا تداوم صداقت داشته باشیم لازم است راهکارهای ایجاد و تداوم صداقت را بدانیم. این راهکارها گاه در ارتباط با همسر و گاه با ارتباط با خود و گاه در ارتباط با خانواده و جامعه است. در این اصل راهکارهای ایجاد و تداوم صداقت در ارتباط با همسر به صورت مهارت بیان شده است.

۱. هر مقدار همکاری زن و مرد در امور زندگی بیشتر شود، صداقت آنان بیشتر خواهد بود.
۲. زوجین باید نسبت به صداقت حساسیت داشته باشند تا مبدا مورد غفلت واقع شود و جای خود را به دروغ بدهد.
۳. درک مشترک داشتن زوجین از یکدیگر و بسط نقاط مشترک با همسر، صداقت را ایجاد و تداوم می‌بخشد.
۴. اگر همسر از روی صداقت به مشکلی اعتراف کرد و یا خود را سبب آن دانست، نباید او را سرزنش کرد؛ سرزنش سبب می‌شود که در مورد بعدی صداقت به خرج ندهد.
۵. ایجاد رابطه صمیمی به ایجاد صداقت و تداوم آن می‌انجامد.
۶. تغییر و حذف عوامل دروغ از زندگی، صداقت را به دنبال دارد.^۱

^۱. برگرفته با اندکی تغییر از: همان؛ ص ۸۹ و ۹۰.

درس بیست و سوم

راهکارهای درمان بی‌صدافتی خود در ارتباط با همسر

1. لازم است مرور بر رفتار و گفتار دور از صداقت خود در گذشته داشته باشید و دلایل بی‌صدافتی خود در گذشته را کشف کنید.
2. لطفاً نسبت به خود شفقت داشته باشید. شفقت داشتن به این معناست که مشغول سرزنش کردن خود بابت گذشته نشوید، زیرا موجی از هیجانات منفی شما را فرامی‌گیرد و تازمانی که هیجانات منفی شما را احاطه کرده است، افکار و رفتار مثبت دور از انتظار است.
3. همچنین شفقت داشتن به این معناست که نسبت به رفتار خود در گذشته نگاه مهربانانه‌ای داشته باشید، مثلاً به خود بگویید آن رفتارها به خاطر عدم اطلاعات و عدم مهارت من بوده و من اکنون در حال تغییر و پیشرفت هستم؛ بنابراین آینده بهتری در انتظار من است.
3. چنانچه دلیل بی‌صدافتی شما در گذشته، مرتبط با رفتار همسران بوده است، لازم است فعلاً فقط آن دلایل را یادداشت کنید، اما آنها را بیان نکنید و بیان آن را به مراحل بعدی واگذار کنید.
4. صداقت را ابتدا در مسائل کوچک و کم اهمیت‌تر شروع کنید، مانند اظهار نظرهای ساده درباره مسائل.
5. با ترسی که عامل بی‌صدافتی است، مبارزه کنید. شما می‌توانید و ما به شما اطمینان داریم که شجاع هستید و نیت خوب شما موجبات دلگرمی شما خواهد بود.
6. گاه عدم صداقت ریشه در نبود مهارت‌های فردی و بین فردی دارد. کسب مهارت‌های ارتباطی (کلامی و غیرکلامی) و کسب مهارت‌های فردی در انتقال احساسات در درمان بی‌صدافتی تأثیر به سزایی دارد.
7. توجه کردن به حضور و آگاهی خداوند بزرگ.
8. ضبط خیال، ذکر خدا، دعا (درخواست از خدا)، توکل بر خداوند، توسل به اهل بیت — علیهم‌السلام — و توجه به مذمت دروغ در آیات و روایات در درمان بی‌صدافتی مؤثر است.
9. مرگ اندیشی و شیطان‌شناسی و مدیریت شیطانی دروغ.
10. توجه به آسیب‌های دروغ به زندگی زناشویی نیز می‌تواند مانع توقف در مسیر شود.

بخش دوم
بایسته های صداقت در روابط والدین و فرزندان

درس اول

آگاهی والدین در صداقت ورزی فرزندان

والدین مسئولیت های زیادی دارند؛ مسئولیت در برابر همسر و در برابر فرزندان . انجام این مسئولیت سترگ نیاز به آگاهی و اطلاعات و آموزش و مشاوره دارد.

چنانچه کاری را بدون «آگاهی» انجام دهیم؛ آسیب آن، بیشتر از نتایج مثبت آن است.

مثال: در این زمینه می توان به رانندگی کردن اشاره کرد. زندگی کنونی لزوم استفاده از اتومبیل را انکار ناپذیر کرده است. برای این کار لازم است فرد از قوانین راهنمایی و رانندگی اطلاع داشته باشد، چندین جلسه نزد یک راننده مجرب آموزش ببیند و حتی از تجارب دیگران استفاده کند. چنانچه آگاهی و مهارت فرد به اندازه کافی نباشد، رسیدن به مقصد غیرممکن است، زیرا احتمال تصادف و آسیب به خود و دیگران وجود دارد.

پیامبر ختمی مرتبت -صلی الله علیه و اله- می فرماید: من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح.^۱

کسی که کاری را از روی علم و آگاهی انجام ندهد آنچه را که به فساد می کشاند بیشتر است از آن چه اصلاح می کند.^{۲،۳}

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۴۴.

۲. برگرفته از: علی محمد رفیعی محمدی؛ بیست اصل در تربیت: اصول برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان؛ ص ۱۸۷ تا ۱۹۳.

۳. مهارت ها:

۱. والدین لازم است آسیب های صداقت را بدانند و به فرزندان خود آگاهی دهند. ۲. برخی از محققان گویند: «در خلوت و در وضعیت کاملاً آرام و صمیمی باید مضرات دروغ گویی برای کودک تشریح گردد. ۳. و به کودک اجازه داد آزادانه احساساتش را بیرون بریزد. ۴. و در چنین فضای روانی آزاد، باید به کودک آموخت با احساساتش برخورد واقع بینانه نموده و از آنها شرم ننماید. ۵. و آن را با احساسات خوشایند جایگزین سازد. ۶. شناسایی انگیزهای دروغ گویی فرزندان برای والدین لازم است.

درس دوم

هماهنگی والدین در تربیت فرزندان در ارتباط با صداقت‌ورزی آنان

یکی از عوامل مؤثر در تربیت اصل هماهنگی است. یکی از راه‌های درونی کردن ارزش‌های اخلاقی در فرزندان، هماهنگی والدینی است که ارزش‌ها را به فرزندان منتقل می‌کنند. اگر به عنوان مثال پدر و مادر هر دو حجاب را ارزش تلقی کنند فرزندان هم با حجاب می‌شود. اگر پدر تنبیه کند و مادر دلسوزی و محبت نماید و کار پدر را اشتباه بداند، کودک دچار سرگردانی و دودلی شده و آرامش روحی او بهم می‌خورد. مشکل ناهماهنگی در اغلب خانواده‌ها وجود دارد و کودکان به یکی از والدین پناه برده و اشتباه و ناهنجاری خود را ادامه می‌دهند^{۲،۱}

۱. برگرفته از: همان؛ ص ۲۰۵ تا ۲۰۷.

۲. مهارت‌ها:

۱. هماهنگی والدین در انتقال ارزش‌ها به فرزندان یک اصل تربیتی انکارناپذیر است.

۲. برای این که فرزندان به صداقت روی آورند و ویژگی صداقت در آنها نهادینه شود لازم است والدین هر دو راستگو باشند و از یک موضع مشترک سخن گویند.

۳. دروغ‌گویی یکی از زوجین به دیگری در حضور فرزند و آگاهی او از موضوع، نوعی ناهماهنگی در تربیت فرزند است.

۴. توجیه اشتباه فرزند از سوی مادر و دروغ‌گویی او به پدر خانواده، لقاء این معناست که فرزند می‌تواند برای فرار از مشکل دروغ گوید.

۵. اگر یکی از والدین صادقانه برای کاری اقدام کند و والد دیگر روش او را تخطئه کند؛ سبب بهم‌ریختگی فرزند و درونی نشدن صداقت در او، و بلکه سبب درونی شدن دروغ در اوست.

۶. به قضاوت نشستن والدین در برابر فرزند برای گفتار و رفتار دیگران و تأیید و رد آن از سوی آنها و اظهار نظر متفاوت آنان، منجر به آشفتگی فرزند و نمونه‌ای از ناهماهنگی در تربیت است.

درس سوم

تربیت مادران و صداقت فرزندان

تربیت فرزندان وظیفه والدین و نیز مربیان و معلمان و مدرسه و جامعه است. اما از همه مهم تر این وظیفه بر دوش والدین است و ابتدا آنها درگیر مسئله هستند و بیشترین وقت را باید برای این کار بگذارند و عذر آنها در این باره پذیرفتنی نیست. تربیت، مقوله‌های زیادی دارد یکی از مقوله‌های مهم آن صداقت فرزندان است که در این نوشتار به آن پرداخته شده است.

این جملات معروف و دلنشین را حتما بارها شنیده اید:

بهشت زیر پای مادران است؛

از دامن زن، مرد به معراج می‌رود.

از میان والدین، این مادر است که نقش اساسی در تربیت را برعهده دارد؛ نقشی که هیچ معادل و جایگزین ندارد و نخواهد نداشت و با نقش پدر مساوی نیست بلکه بسیار فراتر از آن است و شاید قابل مقایسه نباشد.

نقش مادر در تربیت نقش قراردادی نیست تا بتوان آن را به راحتی تغییر داد. این نقش و برتری آن بر همگان در تربیت فرزند امری فطری و طبیعی است؛ گویا فطرت و طبیعت برای او چنین تعریف کرده و شرع و قانون از آن حمایت کرده‌اند.

در این اصل برخی از مهارت‌هایی که مادران لازم است بدانند تا بر اساس آن، فرزندان خود را صادق و راستگو تربیت کنند؛ بیان شده است.^۱

^۱ در باره صداقت مادران ر.ک: مهدی قصابی چورسی؛ «صداقت مادران و نقش آن در تربیت فرزندان»؛ همه مقاله.

درس چهارم

نشانه‌های کودکان دروغ‌گو

دروغ‌گویی کودکان انواعی دارد، برخی از اقسام دروغ‌گویی در کودکان مشکلی ایجاد نمی‌کند مانند دروغ‌تخیلی که زائیده تخیل کودک است و در سنین خاص (تا زیر 8 سال) اتفاق می‌افتد و مانند دروغ‌اکتشافی که کودک قصد دروغ‌واقعی ندارد ولی می‌خواهد تجربه کند که اگر دروغ بگوید چه اتفاقی می‌افتد. مهم، دروغ‌واقعی در کودکان است مانند این که کودک از روی قصد دروغ می‌گوید تا از تنبیه دوری کند یا چیزی را به دست آورد و ...

همواره تمایل به جلب توجه دیگران دارد.

به والدین و اطرافیانش اعتماد ندارد^{1،2}.

¹. الهه امامی راسخ؛ «کودک، دروغ‌گویی و راه‌های مقابله با آن»؛ مجله پیوند ۳۶ تا ۴۳؛ اصغر هادی؛ طرح پژوهشی با عنوان «تدوین بسته آموزشی صداقت و اثربخشی آن بر کارآمدی خانواده»؛ ص ۸۶.

². نشانه‌های کودکان دروغ‌گو:

حقایق را کتمان می‌کنند.

احساس حقارت می‌کنند.

اعتماد به نفس آنان پایین است.

دچار ضعف شخصیت است.

همواره تمایل به جلب توجه دیگران دارد.

به والدین و اطرافیانش اعتماد ندارد.

پرحرف هستند.

درس پنجم

تنوع و گستردگی در صداقت

برای صداقت فرزندان لازم است والدین به فرزندان تنوع در صداقت و گستردگی آن را آموزش دهند. صداقت را والدین و فرزندان غالباً در امور روزمره خود می‌دانند که بیشتر با آن سروکار دارند ولی از اموری که گاه بر نخبگان هم مخفی است، غافلند. در این درس با انواع صداقت و گستردگی آن آشنا می‌شوید.

1. صداقت در ارتباط با خدای بزرگ

2. صداقت با خود

3. صداقت در فضای مجازی

4. صداقت علمی

5. صداقت در کار و فعالیت

درس ششم

زمینه سازی صداقت در فرزندان

اگر فرزند ما دروغ گو شد درمان آن کار دشواری است. بهتر از درمان؛ پیشگیری است که کار آسان تر و نتیجه بخش تر خواهد بود. برای پیشگیری، زمینه سازی لازم است. میتوان مفهوم زمینه سازی را با یک مثال بیان کرد: آیا هر درخت میوه در هر منطقه آب و هوایی و هرنوع خاک به بار می نشیند؟ خیر، لازم است قبل از انتظار برای میوه دار شدن درخت، بسترهای لازم را فراهم نمود.

درمورد مهارت های مختلف در فرزندمان نیز لازم است برخی بسترهای تربیتی در ابتدا ایجاد شود و سپس به دنبال آموزش و منتظر حصول نتیجه باشیم. صداقت به عنوان یک فضیلت اخلاقی – اجتماعی نیز ازین قاعده مستثنی نیست.

✓ ایمان به خدا و روز جزا

ایمان به خدا و روز جزا ضمانت انجام کارهای خوب است.

✓ تربیت صحیح

یکی از مهم ترین زمینه های صداقت، تربیت صحیح فرزندان است که گفتار و کردار و نیات والدین در آن بسیار نقش دارد. گفتار و کردار و نیت بد والدین است که بذر دروغ گویی را در فرزندان می کارد. دامنه تربیت بسیار گسترده است و از آموزش تا الگوسازی و روش های ترغیبی و بازدارندگی را شامل می شود.^۱

^۱. محمد سبحانی نیا؛ «راه و رسم زندگی، صداقت»؛ معارف اسلامی ص ۵۹ تا ۶۱.

درس هفتم

پیشگیری از دروغ‌گویی فرزند

معمولاً ما وقتی فرزندمان دچار دروغ‌گویی شد به فکر درمان می‌افتیم و برای درمان او اقدام می‌کنیم و نسبت به دروغ‌گویی او واکنش مثبت یا منفی انجام می‌دهیم. اما همیشه پیشگیری بهتر از درمان است. برای آن که از دروغ‌گویی فرزندمان پیشگیری کنیم راهکارهایی در این درس پیشنهاد شده است.

آگاهی‌دادن به بد بودن دروغ

آشنا ساختن فرزند با مهارت‌های راست‌گویی و صداقت

بازجویی نکردن و عدم اصرار بر بیان جزئیات

دوری از بر چسب زدن

دوری از رفتارها و الگوهای غلط.^۱

^۱. در باره بخشی از مطالب فوق نک: مریم صیاد شیرازی؛ «دروغ، فرار از واقعیت؛ دروغ‌گویی کودکان و راه‌های مقابله با آن مقاله»؛ رشد آموزش مشاور

درس هشتم

آموزش آثار صداقت به فرزندان

در این درس در خصوص آگاهی از آثار صداقت به فرزندان و آموزش این موضوع و مهارت های آن به منظور ایجاد روحیه صداقت و پیشگیری از عدم صداقت پرداخته شده است.

جلب اعتماد

دوستی و محبت

شکوه و بزرگی

همراهی خدا

بازدارندگی از گناه.^۱

^۱. اصغر هادی؛ راهکارهای رهایی از دروغ‌گویی، دورویی و پیمان شکنی در خانواده؛ ص ۴۵۸ و ۴۵۹.

درس نهم

اصل ارائه الگوهای شایسته

یکی از راهکارهای پیشگیری از دروغ گویی فرزندان، دوری از الگوهای غلط و ارائه الگوهای شایسته به فرزندان است که سرمشقی درست از صداقت به کودک دهند.^۱ در این درس الگوهای شایسته به فرزندان بیان شده است.

دوستان و همسالان و همکلاسی‌ها و گروه‌های دوستانه تاثیر زیادی بر تفکر و رفتار فرزند ما دارند و هرچه سن فرزندمان بیشتر شود این تاثیرات عمیق تر و مهم تر خواهد شد؛ به نحوی که در سن نوجوانی فرد برای پذیرش در بین همسالان حتی حاضر است رفتارها و گفتار خود را تغییر دهد و گاه به سمت رفتار و گفتار نامطلوب برود! بنابراین اهمیت این نوع الگوها بر والدین پوشیده نیست.

ضرب المثل: با ماه نشینی ماه شوی، با دیگ نشینی سیاه شوی.

اولیاء مدرسه (مدیر، معاونین و معلمان)، جامعه و رسانه‌های جمعی نیز می‌توانند الگوهای شایسته / ناشایست را ارائه دهند.

^۱. اصغر هادی؛ راهکارهای رهایی از دروغ‌گویی، دورویی و پیمان شکنی در خانواده؛ ص ۴۵۹.

درس دهم

تکریم و دوری از تحقیر

افزایش عزت نفس یکی از مهارت های زمینه سازی صداقت در فرزندان است و نیز یکی از ریشه های مهم عدم صداقت در افراد، احساس حقارت و ضعف شخصیتی است. از اصول شایسته تربیتی، تکریم و دوری از تحقیر فرزندان است. انسان به عنوان اشرف مخلوقات خداوند متعال، شأن و جایگاهی دارد که نباید به خاطر خطاها و نقاط ضعف، این جایگاه را از بین برد. با این دیدگاه، هر انسانی شریف و محترم است حتی اگر هنوز بلد نباشد رفتار و گفتار صادقانه داشته باشد؛ یعنی عدم صداقت «مرتبه انسانیت» را تنزل نمی دهد.^۱

تکریم به این معناست که ما با رفتار و گفتارمان این جایگاه انسانی را مهم و محترم بشماریم. تکریم همچنین به این معناست که با دیدن خطاها و در هنگام افشاء خطا و آموزش و تربیت؛ لطمه ای به شخصیت فرزندان نزیم و کل شخصیت و جایگاه او را زیر سوال نبریم، بلکه دقیقاً درباره همان خطا از جمله خطای عدم صداقت صحبت کنیم. نتیجه گیری واضح از مطالب فوق این است که سرزنش، تهدید و تحقیر با کرامت فرزندان مغایرت دارد و برای پیشگیری از دروغ گویی فرزندان لازم است که این رفتارها را در سبک تربیتی خود به طور جدی کنار بگذاریم.

^۱. برگرفته از: اصغر هادی؛ راهکارهای رهایی از دروغگویی، دورویی و پیمان شکنی در خانواده؛ ص ۴۵۸.

درس یازدهم

کشف علل خانوادگی دروغ گویی فرزندان

از اصول شایسته تربیتی که ناراستی فرزندان را درمان یا از آن پیشگیری می‌کند، ریشه‌یابی و علت‌یابی ناراستی فرزند است تا بعد از آن اصلاح شود. گاه ریشه‌یابی به شناسایی انگیزه دروغ و منشأ آن بازمی‌گردد. در این باره لازم است از مشاور و متخصص کودکان کمک گرفته شود.

والدین و همچنین مربیان باید با علل عدم صداقت فرزندان در خانه آشنا باشند و اگر آنان خطا کردند پیش از هر اقدامی علت آن را شناسایی کنند. کشف علت عدم صداقت به والدین در انجام صحیح اقدامات بعدی و تصمیماتی که فرزند را در مسیر صحیح قرار می‌دهد، کمک می‌کند. تشخیص صحیح نیمی از درمان است.

برخی از علل کشف شده در خانواده‌ها:

- جبران کمبودها
- ترس
- تهدید و اجبار فرزندان به کارهایی که در توان آنها نیست
- حمایت والدین از رفتار اشتباه فرزند^۱

✓ ۱. مهارت‌ها:

✓ آموزش درست فرزندان

✓ توجه مثبت به فرزندان در زمان رفتار صحیح (بیان صادقانه) و عدم توجه به رفتار و گفتار نامطلوب (عدم صداقت)

✓ گفتگو و آموزش صحیح درباره کمبودها و راه‌های مناسب مواجهه با کمبودها

✓ کاهش و عدم ایجاد ترس در کودکان

✓ کاهش و عدم تهدید و اجبار فرزندان به کارهایی که در توان آنها نیست

✓ عدم حمایت والدین از رفتار اشتباه و غیرصادقانه فرزند

✓ کاهش و عدم انتظار و توقع بیش از حد از فرزندان و مقایسه آنان با دوستان و هم کلاسی‌ها.

درس دوازدهم

زمینه‌سازی الگوهای ضدارزشی رسانه‌ها

پیش از این بارها تکرار کردیم که از جمله اموری که باید والدین بدانند، آگاهی از علل و انگیزه های دروغ گویی فرزندان است. آگاهی والدین از علل و زمینه ها دروغ گویی آنها را کمک خواهد کرد تا به راحتی علت دروغ فرزند خود را شناسایی کنند و سپس به درمان آن بپردازند.

در این درس به یکی از عوامل مهم در دروغ گویی فرزندان می پردازیم و آن زمینه‌سازی الگوهای ضدارزشی رسانه‌های جمعی و تلویزیون و تبلیغات برای کودکان است که سبب دروغ گویی آنان و روی آوردن آنها و انگیزه دروغ گویی آنان و در نهایت عدم صداقت آنان می شود.

الگوسازی ضدارزشی رسانه‌های جمعی و تلویزیون و تبلیغات برای کودکان و زمینه‌سازی آنها برای کودکان بر کسی پوشیده نیست. کمتر فیلم یا سریالی در رسانه یافت می‌شود که در آن دروغ نباشد!

از سوی دیگر، رسانه‌ها چه میزان اطلاعاتی را بطور صادقانه به ما ارائه می‌دهند؟ به بیان واضح‌تر، آیا هرچه از سوی رسانه منتشر می‌شود، لزوماً صادقانه و صحیح است؟

شاید تاکنون به این مسئله توجه نکرده باشید که: تبلیغات تلویزیونی نیز در کنار رفتار والدین، مبنی بر اینکه این‌ها تبلیغات است و اساسی ندارد، خود نوعی رواج دروغ‌گویی و زمینه‌ساز دروغ‌گویی در کودکان است.

متأسفانه باید اقرار کرد که رسانه‌ها نه تنها معمولاً مروج صداقت نیستند و راه‌های افزایش صداقت را به ما آموزش نمی‌دهند، بلکه به طور مداوم ما را در معرض عدم صداقت قرار می‌دهند و حساسیت ما را به این مسئله کاهش می‌دهند انگار که بی صداقتی یک مسئله رایج و شایع است!¹

¹. برگرفته از: اصغر هادی؛ راهکارهای رهایی از دروغ‌گویی، دورویی و پیمان شکنی در خانواده؛ ص 278.

درس سیزدهم

تشویق بر صداقت فرزندان

چاک فالکن در این باره می‌گوید: «اگر فرزند صداقت به خرج داد و واقعیت را گفت و به اشتباه خود اعتراف کرد او را باید تشویق کنید و او را بیشتر مورد محبت و مهربانی قرار دهید. برای این که بیشتر انگیزه پیدا کند آسیب‌های دروغ را به او گوشزد کنید مانند این که دروغ‌گویی به دوستی‌ها و خویشاوندی‌ها لطمه می‌زند و منجر به از دست دادن دوستانشان می‌شود. اگر انسان نتواند به دوستانش ابراز عشق کند زندگی پر از غم و پوچی می‌شود. آنها تصور می‌کنند که شما دروغ گو هستید و مدت‌ها طول می‌کشد تا دوباره احترام و اعتمادشان را جلب کنید»^۱،^۲

^۱. چاک فالکن؛ «اشتباهات رایج والدین و دروغ‌گویی کودکان و نوجوانان»؛ شهربانو میزرای؛ نشریه پیوند^{۳۶}. در این باره نیز ر.ک:

M. (n.d) Merrill; 29 May 2022; 5 Ways to Teach Your Children to be Honest. Mark Merrill, Helping families love well. Retrieved.

^۲. مهارت‌ها:

۱. عکس‌العمل والدین در این باره بسیار مهم و حیاتی است.

۲. اگر والدین به خاطر تلخ بودن واقعیت، فرزند خود را سرزنش کنند؛ او را به دروغ‌گویی تشویق کرده‌اند.

۳. صداقت به خرج دادن فرزندان و اعتراف آنها به اشتباه خود و گفتن واقعیت از سوی آنان؛ غنیمت است.

۴. اعتراف فرزندان به اشتباه خود از روی صداقت؛ نیاز به تشویق و ابراز محبت بیشتر به آنان دارد.

۵. برای این که فرزندان انگیزه بیشتری برای صداقت پیدا کنند و به این کار تشویق شوند، آسیب‌های دروغ‌گویی را برای آنان بیان می‌کنیم.

درس چهاردهم

برخورد با اولین دروغ یا گاه‌گاه دروغ گفتن کودکان

«دروغ اول یا گاه به گاه فرزندان را بحرانی در روابط خود بدانید. احساس ناامید عمیق خود را ابراز کنید و بگویید دوست ندارید او با چنین رفتاری به خود صدمه بزند. پس از تنبیه بچه‌ها برای این اشتباه آنان را ببخشید و دوباره آن مطرح نکنید. اگر کودکان به شما دروغ می‌گویند اشتباهات رایج ترغیب کننده به دروغ را ریشه کن کنید. از عصبانیت و جر و بحث و تهدید خوداری کنید، زیرا جنگ امیال تنها باعث دردسر می‌شود. اگر ابراز احساس ناامیدی شما نسبت به این دروغ‌ها فایده‌ای نداشت، بگذارید این برچسب جزیی از تصویر ذهنی کودک از خودش شود. اهمیت اعتماد در روابط و پیامدهای زیان آور دروغ را به او بیاموزید. اما وقتی موقعیت خود را مختصر کرده به موضوع اصلی بپردازید. با بذل توجه بسیار به دروغ کودکان به او پاداش ندهید. طوری برایش توضیح دهید که بداند بابت هر دروغ تنبیه می‌شود تا از اشتباهاتش درس بگیرد. ابراز اطمینان کنید که فرزندان بالاخره می‌آموزد. او به این حمایت و اعتماد نیاز دارد. از کودکان بیشتر مراقبت کنید و هر از گاهی حقیقت گفته‌هایش را کنترل کنید. بچه‌ها باید بدانند که شما تحمل دروغ را ندارید و بی به دروغ گویی آنها می‌برید. وانمود کنید از این که مجبور به انجام این کار هستید متأسفید و بی‌صبرانه منتظر زمانی هستید که صداقت مداوم آنها باعث شود که از کنترل آنها دست بردارید. افراط نکنید و مانند یک کارآگاه دائماً کودک خود را کنترل نکنید»^{۱،۲}

۱. چاک فالکن؛ «اشتباهات رایج والدین و دروغ گویی کودکان و نوجوانان»؛ شهربانو میزرای؛ نشریه پیوند؛ ص ۳۶.

۲. مهارت‌ها؛

۱. اولین دروغ یا گاه‌گاه دروغ گفتن فرزند را نادیده بگیرید و آن را جدی بگیرید، زیرا نشان‌گر وجود بحران در روابط با والدین است.

۲. از عصبانیت و جر و بحث و تهدید خوداری کنید.

۳. از زدن برچسب دروغ گو به فرزند خودخوداری کنید و نگذارید این «دروغگو بودن» بخشی از تصویر ذهنی کودک از خودش شود.

۴. احساس ناامیدی از کار فرزند خود را ابراز کنید.

۵. به او بگویید دوست ندارید با این کار به خود صدمه بزند.

۶. با بذل توجه بسیار به دروغ کودکان به او پاداش ندهید.

۷. فرزند را به خاطر دروغش ببخشید و دوباره آن را مطرح نکنید.

۸. سعی کنید ریشه‌های دروغ در او را بشناسید و ریشه کن کنید.

۹. پیامدهای زیان آور دروغ را به او بیاموزید و بر اهمیت «اعتماد مبتنی بر صداقت» در روابط تأکید کنید.

۱۰. در ضمن آموزش به فرزندان بفهمانید که بابت هر دروغ تنبیه می‌شود.

۱۱. به او بگویید منتظر آن هستید که همیشه از او صداقت و راستی ببیند؛ او به این حمایت و اعتماد نیاز دارد.

درس پانزدهم

جلب اعتماد فرزند به والدین

همان‌گونه که اشاره شد؛ دروغ گفتن می‌تواند نشانه و زنگ خطر وجود بحران در روابط با والدین باشد؛ بنابراین، برای این که والدین در کودک خود صداقت‌ورزی را ایجاد کنند لازم است اعتماد فرزند خود را به خود جلب کنند. فرزندى که به مادر و پدر خود اعتماد ندارد با آنها صداقت ندارد.

اگر ریشه یابی کنیم؛ فرزندى به والدین اعتماد ندارد که: یا پدرش با او خلف وعده کرده است یا دروغی گفته است یا کارهای خود را سر موقع انجام نمی‌دهد و دچار نابسامانی در زندگی و امور روزمره خود است. چنین والدینی نمی‌توانند فرزند خود را با صداقت تربیت کنند.

برای این که فرزندان به والدین اعتماد کنند لازم است آنان دروغ نگویند و خلف وعده نکنند.^۱

^۱. رضا فرجی؛ دروغ‌گویی کودکان (شناخت و پیشگیری)؛ ص ۲۲ و ۲۳.

درس شانزدهم

تغییر نگرش به جای تغییر رفتار

اگر فرزند ما دچار عدم صداقت است پیش از هر اقدامی اگر نگرش او را تغییر دهیم، تا خود دست به اصلاح خود بزند، ما در این صورت موفق خواهیم بود.

برای تغییر اندیشه می‌توانیم از روش‌های مختلف آموزشی استفاده کنیم؛ مانند استفاده از کتاب‌ها و کلیپ‌ها و انیمیشن‌ها. همچنین می‌توانیم از آموزش مستقیم بهره ببریم که البته باید متناسب به سن و سطح شناختی فرزندمان باشد. فرزند ما چقدر می‌تواند استدلال‌های منطقی و همه جانبه‌گرانه داشته باشد؟ معمولاً اگر فرزندما در سن مدرسه باشد و خصوصاً به نوجوانی نزدیک شود، می‌توانیم با او مکالمه مستقیم داشته باشیم، اطلاعات و دیدگاه‌های او را ارتقا دهیم و ابهامات او را رفع کنیم. توجه کنید که وظیفه شما بعنوان والد ایجاد سؤالات ذهنی، بیان اطلاعات و فراهم کردن منابع اطلاعاتی کافی است، اما نباید به جای فرزندتان استدلال و تصمیم‌گیری را انجام دهید زیرا نگرش‌ها باید توسط خود فرد ایجا شود تا پایدار بماند.

درس هفدهم

محبت و نقش آن در صداقت ورزی فرزندان

محبت از نیازهای اساسی روان انسان است.

این نیاز در کودکان بیش تر از بزرگ سالان نمود دارد. امام صادق -علیه السلام- از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است: ^۱ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید...

کودکان به این نکته چندان توجه ندارند که در کاخ زندگی می کنند یا در کوخ، ولی در این که محبوب دیگران هستند یا نه کاملاً توجه دارند.

محبت پیامدهای زیادی دارد از جمله آن که مصونیت از انحرافات اجتماعی را به دنبال دارد. بسیاری از انحرافات دختران و پسران نتیجه عقده حقارتی است که در اثر بی محبتی به آن دچار شده اند.

ایجاد مصونیت از دروغ در فرزندان و تشویق به راست گویی و صداقت با محبت به فرزند عملیاتی می گردد. محبت دو طرفه است و اگر والدین محبوب فرزندان باشند نصایح آنان در ترک دروغ گویی و روی آوردن به صداقت و راست گویی را در کنار دیگر فاکتور آویزه گوش خود می کنند.

والدین محبت را وجه معامله کارهای خوب فرزند قرار ندهند و به آنان بفهمانند که در هر حال حتی در حال اشتباه آنان را دوست دارند و دل خوری آنان از روی محبت و دلسوزی است. در محبت نباید افراط کرد. گاه محبت سبب می شود که بدی های آنان را درک نکنیم و بر اشتباهات آنان مانند دروغ گویی بخندیم. این گونه محبت ها مانع تربیت درست است. ^۲

^۱ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ -عَلَيْهِ السَّلَام- قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ. (محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۴۹).

^۲ برگرفته از: علی محمد رفیعی محمدی؛ بیست اصل در تربیت: اصول برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان؛ ص ۵۱ تا ۶۳؛ دراین باره نک: رضا فرجی؛ دروغ گویی کودکان (شناخت و پیشگیری)؛ ص ۳۱.

درس هیجدهم

ایجاد خودباوری مثبت در فرزند

خودباوری مثبت به معنای پرورش دید «من می‌توانم» و اعتقاد عمیق به خویشتن است. برای این که بچه‌های مان موفق باشند اول باید باور کنند که می‌توانند موفق شوند. بدون این احساس که «من می‌توانم این کار را انجام دهم»، کودک از موفقیت در هر محیطی ناتوان است. نگرش من می‌توانم به خودی خود شکل نمی‌گیرد، بچه‌ها آن را یاد می‌گیرند و اولین جایی که یا می‌گیرند از خودماست. والدینی که از بچه‌های خود توقع موفقیت دارند و این باور را که «می‌دانم تو می‌توانی» به زبان می‌آورند، بچه‌هایی تربیت می‌کنند که می‌توانند.^{۱، ۲}

۱. خلاصه شده از: همان ۲۴ تا ۲۶.

۲. چگونه می‌توان خودباوری را ارتقاء داد؟

۱. به اندازه سطح فکر فرزندان باید از آنان انتظار داشت. برخی از کودکان زیر چهار یا پنج سالی درک درستی از دروغ و راستی ندارند.

۲. سطح توقعات‌تان در حدی باشد که توانایی‌های فرزندان را گسترش دهد و بر استعدادهایش بیفزاید بدون این که اعتماد به نفسش را سرکوب کنید.

۳. روش‌های تربیتی مثبتی را به کار گیرید که به طور مؤثر بدرفتاری را تغییر دهد، در حالی که هم‌چنان از خودباوری پشتیبانی می‌کند.

۴. برای این که فرزندان به خودباوری در موضوع راستگویی برسند آنان را در راستگویی هایشان تشویق کنیم.

۵. به فرزندان نشان دهید که کارش را خوب انجام می‌دهد، در نتیجه دیدگاه «من می‌توانم» را پرورش دهید.

۶. رفتار ظاهر بستگی به باطن فرزند دارد. از فرزند خود بخواهیم در درون هم به راستگویی فکر کند و دروغ گویی را از ذهن خودش بیرون کند.

۷. به فرزند خود کمک کنید مکالمه درونی مثبت را در خود تقویت کند از عادت گفت و گوی منفی با خود را بکاهد.

۸. اگر فرزند دچار دروغ گویی است، ابتدا باید دروغ گویی او تغییر کند و بعد او را به خودباوری در راستگویی برسانیم.

۹. از برچسب‌های منفی و مخرب مانند تو دروغ گویی یا تو مانند دوستان دروغ‌گویی یا تو مانند عمومیت دروغ گویی، دوری کنیم

۱۰. به جای استفاده از برچسب منفی از برچسب‌های مثبت مانند پسر معصوم و پاک من استفاده کنیم.

درس نوزدهم

عدم مقایسه فرزندان

در این باره برخی کارشناسان گویند:

«یکی از از آفات ویرانگر تعلیم و تربیت مقایسه است. هیچ دو فردی هیچ وقت مثل هم نیستند. در قرآن کریم هم اشاره شده است که انسان ها جور جور آفریده شده اند^۱ و زیبایی و تنوع خلقت هم به همین تنوع است. سرزنش و مقایسه فرزند با کودکان دیگر سبب می شود که از یک طرف او خود را کمتر از دیگران بداند و احساس تقصیر، گناه و حقارت کند و برای سرپوش گذاشتن روی این احساس ها به دروغ خود را بهتر از آن چه هست نشان دهد. از سوی دیگر مقایسه باعث می شود که کودک از فردی که با وی مقایسه شده متنفر و یا نسبت به وی حسود شده و کینه او را به دل بگیرد»^۲.

۱. در مقایسه کردن با دیگران فرزند احساس حقارت می کند

۲. فرزندان برای رفع حقارت خود در مقایسه با دیگران به دروغ خود را بیشتر از آن چه هستند، نشان می دهند.

۱. یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است. (الحجرات/۱۳). وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ به یقین پروردگار تو سریع العقاب و آمرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان نادرست درآیند، زود می دهد؛ و نسبت به حق پویان مهربان است). (الأنعام/۱۶۵)

۲. رضا فرجی؛ دروغگویی کودکان (شناخت و پیشگیری)؛ ص ۲۶؛ سیدمرتضی مرتضوی؛ انگیزه دروغگویی در کودکان و نوجوانان و چگونگی برخورد با آن؛ ص ۳۴.

درس بیستم

اجازه دادن برای ابراز احساسات فرزندان

فرزندان باید آزادانه احساساتشان را بیان کنند. و در صورتی که ابراز احساسات باعث آزار و اذیت اطرافیان شود باید به فرزند آموخت که به تدریج این احساسات جایگزین احساسات خوشایند سازند و نباید برای احساساتش تنبیه شود. برای نمونه اگر کودکی از برادر کوچکش خوشش نمی‌آید باید به او اجازه داده شود که احساساتش را بیان کند و پس از آن والدین رفتار او را تحلیل کنند و علل را کشف کنند و کودک را برای تغییر رفتار و احساساتش اقدام کنند. در مواردی که فرزند دچار خطایی شده است و راستش را می‌گوید باید به ملایمت و مهربانی و به طور صحیح به او تذکر داده شود که رفتارش غلط بوده است و باید آن را تغییر دهد. بنابر این به فرزندان اجازه داده شود که احساسات مثبت و منفی خود را بدون ترس بگویند و آزادانه بتوانند بیان کنند که از چه کسی خوششان می‌آید یا بدشان می‌آید.^۱

اگر چنین آزادی را از فرزندان بگیریم و آنان از روی ترس یا احتمال برخورد ناخوشایند والدین، احساسات خود را بیان نکنند در این صورت آنان مجبور می‌شوند ظاهری متفاوت از خود نشان دهند و این عملاً نوعی دورویی و ظاهر فریبی است.

^۱. برگرفته از: رضا فرجی؛ دروغ‌گویی کودکان (شناخت و پیشگیری)؛ ص ۳۳ و ۳۴.

درس بیست و یکم

حفظ حریم خصوصی فرزندان

به گفته برخی از کارشناسان:

«احترام به حریم خصوصی کودک و یا نوجوان گاهی می تواند مانع از دروغ گویی آنان شود. والدین باید در عین آن که مراقب رفتار و اعمال فرزندشان هستند، اعتماد و صمیمیت آنها را نیز به خود جلب کنند.»^۱

حریم خصوصی مربوط به فرد خاصی نیست و شامل تمامی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها و ... می‌شود. همچنین حریم خصوصی دارای وسعت اطلاعاتی خاصی نیست و بر اساس فرهنگ و اشخاص مختلف متفاوت است مانند شکلاتی که یک بچه در گوشه‌ای از اتاقش پنهان کرده می‌تواند مصداق بارزی از حریم خصوصی باشد و برداشتن یا حتی جابجایی آن نقض حریم شخصی و سبب رنجش او شود.

حریم شخصی میان والدین و فرزندان همواره با مشکلاتی مواجه است. معمولاً والدین به بهانه اینکه "من تجربه بیشتری دارم!" حق انتخاب را از فرزندان خود می‌گیرند و نظرات خود را به آنها تحمیل می‌کنند. در صورت نارضایتی و مخالفت فرزندان، دلخوری‌هایی میان آنها به وجود می‌آید. بهتر است که والدین حریم خصوصی فرزندان خود را قبول و به جای تحمیل نظرات خود، به گفت و گو و قانع کردن آنها بپردازند. از مهم‌ترین حریم‌های خصوصی فرزندان می‌توان به اتاق آنها اشاره کرد که مخصوصاً برای نوجوانان بسیار مهم می‌باشد، لذا لازم است که والدین بدون اجازه وارد اتاق فرزندان خود نشوند و وسایل آنها را جابجا نکنند.^۲ اگر فرزند اجازه نمی‌دهد که به هیچ عنوان به حریم خصوصی او نزدیک نشوند والدین به احترام گذاشته و نگرانی خود را به شیوه معقول به او بفمانند و اظهار دارند که اصل در خانواده ما شفافیت است تا نگرانی برای اعضای خانواده ایجاد نشود. در این راستا، وضعیت خانوادگی خود را بر اساس شفافیت قرار دهید و والدین نیز چیزی را از فرزند خود مخفی نکنند و بیان صادقانه را رعایت کنند (چنانچه لازم است فرزند ما از چیزی مطلع نباشد، به او بگوییم که فعلاً امکان توضیح مفصل تر نداریم).

^۱. همان؛ ص ۳۸ و ۳۹.

^۲. «چند ترفند برای حفظ حریم خصوصی / چگونه به حریم شخصی دیگران احترام بگذاریم؟»؛ باشگاه خبرنگاران جوان؛

<https://www.yjc.news/fa/news/۷۷۵۴۳۳۶>.

درس و بیست و دوم

تنبيه صحيح پس از افشای عدم صداقت فرزند

ترس عاملی است که کودک و نوجوان بخاطر آن دروغ خواهند گفت. این ترس می‌تواند ترس ناشی از مجازات و تنبیهی باشد که ما به خاطر عمل خلاف آنها در نظر خواهیم گرفت و کودک و نوجوان واقف بر آن باشند. تنبیه با شرایطی لازم است، اما اگر تنبیه صحیح باشد و با حالت عاطفی همراه باشد ترس از گفتن حقیقت و عواقب بعدی آن از بین می‌رود، چون کودک می‌داند که تنبیه او از سر دل‌سوزی و به خاطر اشتباه اوست. تنبیه به معنای متنبه و آگاه ساختن است. توجه کنید که:

- تنبیه باید اثر بازدارندگی داشته باشد
- تنبیه باید عادلانه باشد بنابراین حتما قبل از تعیین تنبیه به صحبت های فرزندتان و دلایل و توجیهات او گوش دهید و سپس رفتار مناسب را انتخاب کنید
- تنبیه بخشی از پازل تربیتی است و باید بجز تنبیه کردن، آگاهی بخشی ها و راه حل ها نیز ارائه گردد
- تنبیه از سوی والدینی که رابطه خوبی با فرزند ندارند، معمولا موثر نیست.
- بنابراین رابطه صمیمانه خود را با فرزندتان تقویت کنید و در زمان مناسب که هیجانات شما فروکش کرده است با او صحبت کنید و سپس تصمیم گیری کنید.

درس بیست و سوم

واکنش مناسب والدین نسبت به دروغ گویی فرزندان

والدین در برابر دروغ گویی فرزند باید واکنش مناسب نشان دهند تا دروغ گویی کاهش یا برطرف شود. واکنش های نامناسب تربیتی سبب می شود افزون بر آن که مشکل حل نشود، زمینه لجباری در فرزند ایجاد شود و انگیزه دروغ گویی مجدد آماده شود. واکنش های مناسب والدین در این باره که گویای مهارت است عبارت است از:

1. پیدا کردن علت یا علل دروغ گویی فرزند

دروغ گویی مانند هر رفتار دیگری علل و انگیزه هایی دارد. به عنوان مثال دروغ گویی مکرر می تواند علت آن اضطراب در کودک باشد که باید والدین علت و یا علل اضطراب را بشناسند و درمان کنند.

2. تقویت راستگویی در کودک

شیوه های رفتاری و گفتاری والدین و مربیان می تواند فرصت های مناسبی برای توجه و میل کودک به راستی و درستی فراهم آورد. همچنین باید ارزش راستگویی و زیان های دروغ گویی برای کودک بیان شود.

3. بیان احساسات

باید به کودک اجازه داده شود که حالات و احساسات مثبت و منفی خود را آزادانه بیان کند و بدون ترس و واهمه بگوید از چه چیزی خوشش می آید و از چه چیزی متنفر است. این امر کمک که والدین نیازها و کمبودهای فرزند خود را بشناسند. باید علت احساسات مثبت و منفی فرزند را شناخت.

4. درک کودک و احساس همدردی با او

همان طور که ما دوست داریم دیگران ما را درک کنند و در حل مشکلات یاورمان باشند کودکان نیز چنین انتظاری دارند. باید کودک را درک کرد و با او همدردی کرد و به او فهماند که مجبور نیست دروغ بگوید بلکه بهتر است علت رفتاری ها و مشکلاتش را بیان کند.

5. توجه به کودک و رفع نیازهای او

نیازهای کودک صرفاً خوردن و آشامیدن و ... نیست. نیاز به امنیت و از همه مهم تر نیاز به محبت است. همچنین نیاز به احترام به ویژه در برابر دیگران. اگر کودک بفهمد دوستش دارند نیازی نیست کاری به دروغ انجام دهد تا دیگران او را دوست داشته باشند.

6. احترام به شخصیت کودک

باید فرزند در خانواده از احترام کافی برخوردار باشد تا اعتماد به نفس او تقویت شود. فرزندی که در خانواده ارزشی برای او قائل نیستند دچار ضعف شخصیت می شود. همچنین اگر کودک دروغ گفت شخصیت او را زیر سؤال ببریم بلکه کار او را مزمت کنیم؛ به او نگوئیم تو پستی بلکه به او بگوئیم این کار تو اشتباه است و تو بزرگتر از آن این کار بد را انجام دهی.

7. توجه به استعداد و توان فرزند

نباید از کودک انتظارات بی جا داشت. مثلاً حتی یک بار هم تو نباید دروغ بگویی. یا حتی به شوخی دروغ نگو. البته شوخی به دروغ هم درست نیست اما نباید زیاد سخت گرفت. فرزند شما با یک انسان کامل دارای مدارج معنوی، متفاوت است.^۱

^۱. در این باره نک: همان ص ۵۰ تا ۵۲.

کتابنامه

رادفر، فاطمه سادات؛ «رازداری بین همسران»؛ درگاه تبیان؛ (تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۷)؛ <https://article.tebyan.net/۲۲۰۰۷۹>؛
ریچارد، تمپلار؛ قوانین عشق؛ ترجمه قراچه داغی، مهدی؛ تهران: ایران بان؛ ۱۳۸۸ ش.
هادی، اصغر؛ راهکارهای رهایی از دروغ‌گویی، دورویی و پیمان شکنی در خانواده؛ اصفهان: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان؛ ۱۴۰۰ ش.
هادی، اصغر؛ طرح پژوهشی با عنوان «تدوین بسته آموزشی صداقت و اثربخشی آن بر کارآمدی خانواده»؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه استان اصفهان: پژوهشکده الهیات و خانواده پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ ۱۴۰۰ ش.